ایرانگردی و جهانگردی: زندگی و اقتصاد عشایری در ایران

اینکه سکنه بومی ایران از چه هنگامی‏ در ایران ساکن بوده‏اند،دانسته نیست. اینقدر میدانیم که در اواسط هزاره دوم قبل‏ از میلاد هنگامی که قوم چوپان آریائی‏ از شمال شرق،از مناطق شمالی دریای‏ خزر به سوی فلات ایران و دامنه‏های‏ جبال هند و کش مهاجرت کردند، قصد لشکرکشی نداشتند.قومی چوپان‏ بودند که به جستجوی علفزارهای‏ پربارتر و پایدارتر و آب و هوای‏ سازگارتر بودند.در اینجا با سکنه بومی‏ چنان درهم آمیختند که قوم واحد ایرانی‏ آریائی نژاد را بوجود آوردند.به این ترتیب‏ زندگی چوپانی و عشایری در کشور ما ریشه‏ در تاریخ کهن کشورمان دارد.

چندین هزار سال،ییلاق و قشلاق‏ یا حرکت از سردبیر به گرمسیر و بالعکس، یک ضرورت طبیعی برای عشایر تلقی‏ می‏شده است.آنها که از طریق دامداری‏ زندگی می‏کردند ناچار بودند دامهای‏ خود را از سرما و گرمای شدید محفوظ دارند و پیوسته آنها را به مناطقی ببرند که‏ دارای چمنزارهای کافی برای تغذیه‏ دامها باشند و به آب کافی نیز دسترسی‏ داشته باشند.توجه اساسی آنان معطوف به‏ دامداری بود.

در آمار سرشماری سال 70 ایران، از عشایر نام برده نمی‏شود و سکنه شهری، نقاط روستائی و افراد غیرساکن‏ ذکر می‏شوند.

افراد غیرساکن معلوم نیست همان‏ عشایر باشند زیر رقم ارائه شده تحت این‏ عنوان آن چیزی است که می‏تواند مربوط به عشایر کشور باشد.برای مثال‏ در آمار سال 1370 کل کشور جمعا 363970 نفر تحت عنوان افراد غیرساکن‏ طبقه‏بندی شده‏اند که‏ 188308 نفر آنها مرد و 175666 نفر آنها زن‏ بوده‏اند.در حالیکه‏ تعداد عشایر کشور بمراتب بیش از این رقم‏ می‏باشند.در سرشماری عشایری سال 66 عشایر کوچنده کشور به این شرح آمارگیری‏ شده‏اند.تعداد ایل 96-تعداد طایفه‏ مستقل 547-جمعا مرکب از 180223 خانوار با جمعیت 1152099 نفر(597774 نفر مورد 554325 نفر زن) در سالهای اخیر تلاش فرهنگی عظیمی‏ برای ساکن کردن عشایر در مناطق خوش‏ آب و هوا و دارای آب و مرتع صورت گرفته‏ است.یکبار دیگر-نیز در رژیم گذشته‏ چنین کوششی بعمل آمده است،لیکن چون‏ بیشتر جنبه اجباری داشت تا تامین رفاه‏ بیشتر برای عشایر،با موفقیت قرین‏ نگردید.در طرح کنونی،اسکان‏ عشایر کاملا داوطلبانه است و با دادن آب‏ و زمین به عشایر صورت می‏گیرد و تا آنجا که‏ مقدمات امر نشان داده است طرح‏ با موفقیت پیش می‏رود.با اینهمه حتی‏ در صورت ساکن شدن عشایر در مناطق‏ خاص-که از نظر اقتصادی متضمن فایده‏ ه‏های بسیار برای آنها خواهد بود-از صورت‏ عشیره و قبیله خارج نخواهند شد. همچنانکه ایلات و عشایری که به‏ منظره‏ای از مسیر ییلاق،قشلاق،ایل قشقایی چادر عشایری در نمایشگاه صنایع استان فارس

هر صورت در رژیم قبل تخت قاپویا ساکن‏ شدند،خصلت عشیره‏ای خود را از دست‏ نداده‏اند.بنابراین اطلاق عشایر به‏ کوچندگان فقط قسمتی از عشایر را دربر می‏گیرد.در بررسی جامع مسائل عشایر، تخت تاپوشدگان را نیز باید جزو عشایر محسوب داشت.

در حقیقت عشایر را پیوندهای توارثی به‏ یکدیگر می‏پیوند می‏دهد.انها طی‏ هزاره‏ها ازنظامات اجتماعی و قبیله‏ای‏ خاص پیروی کرده‏اند.نظام خان خانی که‏ بر عشایر تحمیل شده بود.جدا از سنت‏ فامیلی و عشیره‏ای سنتی.و آفتی بود که‏ قدرت‏طلبی و توسعه‏طلبی،بوجود آورده‏ بود.بدون بزرگ مالکی و سلطه فرعونی‏ خوانین،قبایل و عشیره‏ها با صلح‏ و صفا زندگی کردند و اینک نیز بدون‏ مزاحمت آنها به کار و تلاش ارزنده‏ خود ادامه می‏دهند.

اگر به نقشه نقاط عشایرنشین توجه کنیم‏ متوجه می‏شویم که تمام نقاط حاشیه‏ای‏ سراسر کشور را پوشانیده اندونگاه به مناطق‏ مرکزی فرضا تا کرمان و رفسنجان‏ یا چهار محال و فریدن و آباده پیش‏ رفته‏اند.علت کاملا روشن است.هرایل‏ و عشیره به علفچر بهاره-تابستانی- پائیزه و زمستانی نیاز دارد و در طول سال‏ باید مسافت طولانی طی کند.در گذشته‏ گاه چرای دام در علفچرهای متعلق به‏ قبائل و عشایر دیگر جنگها و کشتارها راه‏ انداخته بود.اما به تدریج هرایل و قبیله‏ حد و حق خود را به تجربه دریافت‏ و امروز دیگر چنین تجاوزات به حریم‏ یکدیگر در حکم شکستن قانون ایل‏ و قبیله تلقی می‏شود و کسی به آن مبادرت‏ نمی‏کند.معمولا عشایر علاوه بر دامداری، در مسیر ییلاق و قشلاق به کشاورزی‏ مختصر گندم،جو،و غلات دیگر مبادرت‏ می‏کنند و هدف آنها از این کشت و زرع‏ تامین نیازهای اولیه خانوار عشایری‏ است.

زندگی عشایری برای یک سیاح یا یک‏ میهمان یکی دو روزه بسیار دلپذیر بنظر میرسد.اما داستان واقعی دشواری این‏ زندگی را باید از زنان عشایر پرسید که‏ سخت‏کوش‏ترین مردم کشور هستند.در عشایر گوناگون سلطه و کار واقعی مربوط به‏ زنان و پس از آن کودکان است.مردهای‏ عشیره کارهای خیلی دشوار و مردانه‏ را انجام می‏دهند و از کیان عشیره محافظ می‏کنند و در مواردی که ضرورت‏ وجود نداشته باشد،بیشتر خوش‏نشین‏ تلقی می‏شوند و زنان که از سحرگاه‏ تا غروب آفتاب در تلاشند بر این سلطه‏ خوش‏نشینی مرد قبیله گردن‏ می‏نهند و باصطلاح کمر بسته در خدمت‏ اویند.زیرا می‏دانند که در هنگام ضرورت‏ حامی آنها مردان عشیره هستند.بدیهی‏ است مرد بزرگتر عشیره،مردان‏ جوانتر را نیز به کار و یاری زنان و کودکان‏ وامی‏دارد.

براساس تحقیق جامعی که در گذشته، در زمان تشکیل شورای عالی عشایر به‏ عمل آمده،ایلات و عشایر کشور به این‏ ترتیب آمارگیری و طبقه‏بندی شند:

منطقه مازندران(گنبد و گرگان)شامل‏ طوایف یموت-تکه و کوکلان.طایفه‏ یموت بیشتر به کار کشاورزی-دامداری‏ و تجارت وکسب و کار مشغول است.طایفه‏ تکه بخاطر بافت قالیچه‏های‏ ممتاز معروف است و کوکلان‏ها در پرورش‏ اسبهای نژاد خوب،معروفند.

در آذربایجان شرقی-ایل ارسباران‏ با تعداد 6687 خانوار و ایل سون با 7963 خانوار معروفند.این دو ایل به 46 طایفه‏ مختلف تقسیم می‏شوند.که ذکر نام‏ و مشخصات یکایک آنها از گنجایش این‏ مقاله خارج است و باید بعدا در مورد هر ایل و طایفه آن تحقیقات‏ جداگانه صورت گیرد.در اینجا فقط ترسیم‏ کلی زندگی عشایری و نقش اقتصادی‏ آنها موردنظر است.بطور کلی ییلاق ایل‏ ارسباران،کوههای اطراف ارسباران- ارتفاعات اهرو مشکین-شهر و قشلاق آنها دشت مغان و اطراف قره رود و کنار رود ارس‏ می‏باشد.گله‏داری آنها از وضع خوبی‏ برخوردار است.گروهی از عشایر که‏ در گذشته تخت قاپو شدند بتدرج برای‏ خود املاکی خریداری کرده و به زراعت‏ مشغول شده‏اند.

در آذربایجان غربی تمرکز ایلات بمراتب‏ فشرده‏تر است،بطوریکه در سراسر این‏ استان 28 ایل با 39 طایفه زندگی‏ می‏کنند.اسامی ایلات بیست و هشتگانه‏ آذربایجان غربی به این شرح است: جلالی-میلان-حیدرانلو-ممکانلو- کره سنی-شکاک-هرکی-بیگ‏زاده- سادات-زرزا-قره پایاق-ماش- پیران-منگور-دهبکردی-گورک‏ مهاباد-بریاحی-باسک کوله-ملکاری‏ -باپیر آقائی-پشت دری‏ها-کلاسی- عثمان بیگی-ایلات منطقه بانه و ایلات‏ منطقه سقز که جمعا مرکب‏ از 37256 خانوار هستند.(خواننده توجه‏ دارد که این آمار مربوط به سالها قبل است‏ و درحال حاضر تغییرات عمده‏ای‏ در آنها داده است.امید است بزودی‏ نتایج تفصیلی سرشماری عشایری‏ جدید انتشار یابد.بهر صورت همین‏ آمار یک راهنمای کلی محسوب می‏شود) ایل جلالی در سال 1309 به داخل ایران‏ کوچ داده شد و از ماکو محل اصلی‏ خود دور گردید و در قراء همدان،تهران‏ و ورامین تقسیم شد،لیکن با واقعه‏ شهریور 20 افراد ایل به مراکز قبلی‏ جنگ قوچها-تفریح عشایری کوچ عشایر قشقایی زندگی عشایری خویش بازگشتند و به زراعت مشغول‏ شدند.افرادی که دارای گله ورمه‏ هستند همچنان کوچ می‏کنند.ییلاق‏ آنها مرز ترکیه و قشلاق آنها ساحل رود ارس‏ می‏باشد.

بطورکلی همه ایلات آذربایجان غربی‏ که درگذشته تخت قاپو شده‏اند،هم به‏ کار کشاورزی و داد و ستد مشغولند و هم‏ در کار دامداری هستند و مردمی‏ بسیار زحمتکش هستند.بافت گلیم‏ و حاجیم نیز بین از آنها مرسوم است و اخیرا به قالیبافی نیز رو آورده‏اند.

در کردستان 19 طایفه عشایری به شرح‏ زیر زندگی می‏کنند:

در مریوان-طوایف:کهنه‏پوش‏ (200 خانوار)کانی سانانی(400 خانوار) دراور امان-طوایف:فتحعلی بیگی‏ (380 خانوار)میزان بیگی(150 خانوار) بهرام بیگی(1000 خانوار)حسن سلطانی‏ (800 خانوار)مصطفی سلطانی‏ (1200 خانوار)-قمری(500 خانوار)جوجه‏ رشی(300 خانوار)کاملی‏ (200 خانوار)مراد کورانی‏ (1200 خانوار)مندومی(500 خانوار)سادات‏ نقشبندی(300 خانوار)زند(20 خانوار) کلانتز زان(20 خانوار)کشکی(200 خانوار) کمانگر(500 خانوار)

طوایف کرد،در گذشته عموما تخت‏ قاپو شده‏اند و به کار زراعت اشتغال دارند- بافت گلیم و حاجیم و شال بین آنها از دیرباز مرسوم بوده.

در کرمانشاه ده ایل زندگی می‏کنند که‏ عبارتند از:جوانرود(3075 خانوار)-اورامان‏ لهون(17 تا 18 هزار خانوار)-سنقر کلیائی‏ (2500 خانوار)-احمدوند(500 خانوار)- ثلاث(7870 خانوار)-گوران قلخانی‏ (500 خانوار)-سنجابی(2720 خانوار)- کلهر(1300 خانوار)هیلان وزردلان‏ (5000 خانوار)پشتکوه(14200 خانوار) در لرستان ایل ایتوند مرکب از 23 طایفه‏ زندگی می‏کنند.طوایف این ایل‏ عبارتند از(کاکاوند 2800 خانوار)جاواری‏ (500 خانوار)میر بک(1500 خانوار) ایتوند(1400 خانوار)نور علی‏ (1100 خانوار)الوار گرمسیری(1400 خانوار) میر بالا کریوه(2400 خانوار)صمیره‏ (1500 خانوار)پیرانوند(3250 خانوار)پاپی‏ (2160 خانوار)حسنوند(1500 خانوار) یوسف وند(900 خانوار) کولی وند(1300 خانوار)خاوه(3200 خانوار) طرهان(3670 خانوار سگوند 1000 خانوار-فولادوند (300 خانوار)زلفی(1200 خانوار)بسحاق‏ 500 خانوار-عیسوند(500 خانوار) عبد الوند(800 خانوار)

در فارس ایلات زیر زندگی‏ می‏کنند قشقائی-بویر احمد علیا-عرب- باصری طوایف و خانوارهای ایلات‏ مذکور به این شرحند:

ایل قشقائی مرکب است از طوایف،دره‏ شوری(5265 خانوار)کشکولی بزرگ‏ (4862 خانوار)شش بلوکی(4350 خانوار) کشکولی کوچک(650 خانوار)قراچه‏ (430 خانوار)صفی خان(235 خانوار) رحیمی(370 خانوار)فارسی مدان‏ (1505 خانوار)عمله(5397 خانوار)ایل‏ بویر احمد علیل مرکب است از طوایف: نگین تاجی(640 خانوار)سادات‏ (290 خانوار)اردشیری(150 خانوار)- قائد گیوی(500 خانوار)جلیل و بابکان‏ (610 خانوار)عمله یاب‏ (170 خانوار)ساکنین دهات(130 خانوار) ایل عرب مرکب است از طوایف:محسنی‏ (930)فارسی(350 خانوار)شیری‏ (580 خانوار)عبدا یوسفی(540 خانوار) رحیمی چنانی(100 خانوار)جابری‏ (120 خانوار)عمله شیبانی(155 خانوار) نقد علی(80 خانوار)لبو محمدی‏ (250 خانوار)پیر سلامی(60 خانوار)درازی‏ (120 خانوار)بنی عبد اللهی(30 خانوار)

ایل باصری مرکب است از طوایف: عبدلی(110 خانوار)علی قلی(20 خانوار) لبو موسی(260 خانوار)علی قنبری‏ 26 خانوار)ظهرابی(40 خانوار)جکمه‏ای‏ (350 خانوار)جوچین(150 خانوار)علی‏ شاه قلی(50 خانوار)حنانی(80 خانوار) نفر(40 خانوار)

ایل محسنی عبارتند از طوایف-رستم- بکش-جاوید-فهلیان-دشمن زیاری‏ (از تعداد خانوارهای آنان آماری در دست‏ نیست.اما نباید زیاد باشند)-کرد شولی‏ (600 خانوار)

بطور کلی ایلات قشفائی-عرب- باصری و ممسنی کمتر از سایر ایلات تحت‏ قاپو شده‏اند و عمدتا همچنان به ییلاق‏ و قشلاق می‏پردازند.از گله‏داری-زراعت‏ و بافت و فروش بهترین انواع قالی-گلیم‏ و حاجیم-گبه عشایری امرار معاش‏ می‏کنند.

در استان کرمان،در منطقه سیرجان‏ طوایف زیر زندگی می‏کنند:بچاقچی‏ (500 خانوار)قرائی(100 خانوار)قرائی‏ ترک(420 خانوار)لری سهرابی‏ (300 خانوار)لری میرزا حسینی‏ (140 خانوار)شول(270 خانوار)شول‏ خراسانی(300 خانوار)رائینی(350 خانوار) افشار عموئی(400 خانوار) افشار(1200 خانوار)خالو(150 خانوار)لری‏ اقطاع(خانوار 400)جالبارزی‏ (130 خانوار)-قتلو(200 خانوار)لک

 منوجائی(350 خانوار)لر رودبار (300 خانوار)ناروئی رودبار(20 خانوار) کندر(60 خانوار)کیهان(25 خانوار)بچگان‏ (150 خانوار)نودژ(200 خانوار)قباحی‏ (250 خانوار)سالار(3000 خانوار)رئیسی‏ (250 خانوار)هرت(75 خانوار)شموئی‏ (75 خانوار)تاجیک(400 خانوار)سابکی‏ (250 خانوار)زندگی می‏کنند.

در منطقه عباسی-طوایف درگاهی- صولتی-فارعانی-نوشیروانی- طاهر زائی و کهورستانی زندگی می‏کنند.

عشایر کرمان تعدادی تخت قاپو شده‏ و اسکان نیافته‏اند.زندگی آنها از راه گله‏ داری و زراعت و قالیبافی می‏گذرد که در آن‏ میان قالیهای بچاقچی بسیار مرغوب‏ است.

در اصفهان ایل بختیاری-هفت لنگ‏ با 23493 خانوار زندگی می‏کنند و مرکب‏ از 24 طایفه‏اند.تعداد اندکی از آنها درگذشته‏ تحت قاپو شده‏اندو اینک مقدمات تخت‏ قاپو شدن داوطلبانه آنها با واگذاری آب‏ و زمین فراهم می‏شود.بختیاریها در کار تولید قالی و گلیم شهرت‏ دارند همچنین داد و ستد اسب وقاطر و انواع‏ دام بین آنها مرسوم است.

در خراسان ایلات بلوچ-خواف- بهلولی-زعفرانلو-کیوانلو- تیموری-ایلات و قبایل دیگری ساکنند.

ایلات حسینی-سرمدی-طاهری- براهوتی-ناری-دلا که در زاهدان‏ و اطراف آن سکونت دارند.

بطور کلی در ایران نبض دامداری‏ و فراورده‏های دامی مانند پشم، فراورده‏های سنتی تا چندی پیش در دست‏ عشایر بود.لیکن بتدریج دامداریهای‏ ساکن شهرها و روستاها-خاصه‏ دامداریهای مدرن،جانشین‏ آنها می‏شوند.ییلاق و قشلاق طولانی‏ عشایر آنان را خسته و دامهایشان را لاغر می‏سازد و خود مصرفی دام‏ را بالا می‏برد.بنابراین بهره کافی و شایسته‏ از دامهای خود نمی‏برند.اسکان دادن‏ داوطلبانه و مشتاقانه آنها می‏تواند بازده‏ کار آنها را بالا ببرد.همچنین اسکان‏ آنها موجب خواهد شد که بتوانند قالیهای‏ بزرگ با دارهای ثابت و بدون نواقصی که‏ در دارهای سیار اجتناب‏ناپذیر است‏ تولیدکنند.برنامه اسکان داوطلبانه عشایر که اینک دولت درحال اجرای آنست‏ می‏تواند کمک گرانبهائی به‏ عشایر کشور بنماید.خاصه که با ایجاد سدهای متعدد در اقصی نقاط کشور مشکل‏ کم‏آبی و خشکی چمنزارها در حال‏ از بین رفتن است و احداث سرپناههای‏ مطمئن برای عشایر و دامها و چهارپایان‏ آنها از زمستانهای سخت و تابستانهای گرم‏ را تحمل‏پذیر می‏سازد و ضرورت وجودی‏ ییلاق-قشلاق کردن آنها را از بین می‏برد.